

روایت‌های ساده‌اندیشانه از یک مشروطه‌خواه گمنام

رؤیایی که هرگز تعبیر نشد!

■ محمدرضا کائینی



این‌مدت، رساله‌های فراوانی به نام «رؤیای صادقه» به نگارش در آمد که اثر مسود معرفی، در زمره آنهاست. نویسنده گمنام و ساده‌دل این رؤیا نگاری، در زمره طیف مشروطه‌خواه بوده و اَسال و آرزوهای خویش را در قالب دفتری به نگارش در آورده است. جمشید صداقت‌نژاد که پس از سالیان دراز، این نوشتار را با مقدمه و باورقی خویش به چاپ رساند، در دیباچه آن چنین آورده است:

«خوابنامه رؤیای صادقه، به تقلید از خوابنامه خلسه اعتمادالسلطنه نوشته شده است. با این تفاوت که نویسنده، مدینه فاضله‌ای در ذهن خود نساخته و فقط آرزوهایش را آن هم با توجه به کینه‌دیرینه و حسادت‌کی که با افراد مختلف داشته، منعکس کرده است و اصلاً تصور اینکه روزی کتابش به چاپ برسد و در معرض قضاوت مردم قرار بگیرد، نداشته است! خود نویسنده با وجودی که در زمره طلاب و اهل علم قرار داشته و از خانواده‌ای روحانی به شمار می‌آمده، به شدت و شاید ناخودآگاه، تحت تأثیر تبلیغات فریبنده غرب و افکار روشنفکر مآبانه غرب‌زدگان زمان قرار گرفته و به دفاع از ره‌آورد‌های آنان پرداخته است، به‌طوری‌که به طور کل از بی‌طرفی خارج و در مقابل مشروعه خواهان و کسانی که مشروطیت را بدون تطبیق قوانین آن با تعالیم قرآن مجید و دستورات دین مبین اسلام ناقص می‌دانسته‌اند، جبهه بسته و با تمسخر آنان به دفاع از مدینه



► بیرم خان ارمنی،از نام‌های مشروطه‌دوم

فاضله خودساخته خود پرداخته و خط بطلان بر تمام عقاید- به قول خودش- از تجاعی معاصرانش کشیده است تا نویسنده افلاک یک دم، از مطالب کتابش را به تعریف از قوانین کشورهایی چون: فرانسه، انگلستان و… اختصاص داده است و علل عقب‌ماندگی ایران را عدم تقلید از آن قوانین به ظاهر دلپسند قلمداد نموده و از کنار این واقعیت گذشته که کشورهای اروپایی به دلیل منافع‌کی که در آسیا و خصوصاً ایران داشته و دارند، ولو به مدد قوه قهریه، اجازه رشد سیاسی به ما نداده و ما را در خواب غفلت نگه می‌دارند تا بهتر نتوانند منافع خود را حفظ کنند و اگر می‌بینیم در زمان خاصی با فکر مشروطه‌خواهی و دموکراسی در ایران، موافقت و از مشروطه‌خواهان حمایت و در سفارت‌خانه‌های خود را روی آزادپو‌ها‌هان باز می‌گذارند، فقط به این دلیل بوده که مشروطه‌ای بی‌ضرر را که دستبخت سیاستمداران خودشان است به ملت ایران تحمیل کنند و ما را هر چه بیشتر در خواب غفلت نگه دارند و می‌بینیم که در سلاطه تبلیغات شوم و زر و زور خود، تحمیل‌کرده‌های ما را فریفته‌اند و کاملاً به این هدف شوم خود رسیده و توانسته‌اند مشروطیت ایران را که خونبهای خون پاک شهیدان راه آزادی بوده است، از مسیر اصلی خود منحرف کنند و در جهت امیال ناپاک خود سوق دهند و با به تخت نشاندن دیکتاتورها و روی صحنه آوردن هر چه بیشتر جیره‌خواران خود، مجلس شورای ملی را سال‌ها به صورت ابزار پیشرفت اهداف ناچونمردانه خود در آوردند و فارغ البال به چپاولگری خود ادامه دهند؛ در فاصله طولانی بین انقلاب مشروطه تا انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، سیاستمداران خارجی و ابادی آنها کاملاً بر مقدرات مملکت ما حاکم شدند و هر چه توانستند با بستن قراردادهای تنگین بیشتر ما را در زنجیره نگه می‌داشتند و اگر خواست پروردگار توانا نبود، ایران تا‌ب‌تحت سلطه استعمارگران خواف باقی می‌ماند و ما ملت در زنجیر می‌امدیم و در زنجیر از میان می‌رفتیم!…»



کریم دواتگر، ضارب شهید آیت‌الله فضل‌الله نوری، در دوره حسینی

تُرور آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری، کمیته مجازات و اشاراتی پس از ۱۰۳ سال

وقتی داعیه‌داران حریت و مساوات

دست به ششلول می‌شوند!

■ **احمدرضا صدری**
۱۰۳ سال پیش در چنین روز‌هایی، شهید آیت‌الله حاج‌شیخ‌فضل‌الله‌نوری‌در برابر منزل عبدالملک، توسط شخصی به نام کریم دواتگر مورد سوء قصد قرار گرفت. در این حادثه، شیخ‌وسه نفر از اطرافیان وی زخمی شدند. ضارب چون نتوانست فرار کند، تیری در دهان خود خالی کرد و مجروح شد!پا این همه آیت‌الله، پس از مدتی ضارب خویش را بخشید. یک رویداد به رغم ظاهر عسادی خویش، نمادی از این چالش بزرگ در انقلاب مشروطیت ایران به شمار می‌رود و مقالی بی‌آمده، در بی‌اشاراتی در این باره است. مستندات این مقال، بر تارنمای پژوهش‌کنده تاریخ معاصر ایران آمده است. امید آنکه محققان و علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ **وقتی خشونت جاده صاف کن آزادی می‌شود!**
منادیان تحدید قدرت و ایضاً حریت و مساوات، سرگذشتی خواندنی دارند. آنان نخست به طرح شعارهای فریبا پرداختند، سپس تیم ترور شکل دادند و نهایتاً دست به دامان استبداد منور شدند. جریان ترور اما در این میان، از تیری آغاز شد که فردی به نام کریم دواتگر به سوی شهید آیت‌الله شیخ فضل الله نوری شلیک کرد و او را مجروح ساخت. با این همه شیخ پس از مدتی او را بخشید و تنها به موظه وی پرداخت. آرش امیری، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در باب کلید خوردن خشونت در مشروطیت ایران و بااین اقدام چنین آورده است:

«کمیته مجازات یکی از گروه‌های رادیکال بود که ۱۰ سال پس از انقلاب مشروطه شکل گرفت و تلاش داشت تا از راه‌های خشونت‌آمیز، به اهداف و آرمان‌های خود دست یابد. در این نوشتار بر آنیم، تا به چرایی شکل‌گیری خشونت در پس انقلاب مشروطه بپردازیم و با بررسی ترور شیخ فضل‌الله نوری و نقش گروه‌هایی مانند کمیته مجازات در خشونت‌های پس از انقلاب

طبق اسناد موجود، اغلب اعضای کمیته مجازات، ار تباط نزدیک و تنگاتنگی با فرقه بهائیت داشتند و برخی از آنها نیز بهایی بودند!

کمیته مجازات خود، افسراد بسیاری را مورد سوءظن و ترور قرار داد که برخی از آن ترورها با موفقیت انجام گرفت! کمیته با شعارهای ناسیونالیستی، ادعای مبارزه با افرادی را داشت که امنیت کشور را مورد تهدید قرار می‌دادند، اما در واقع حرکت آنها چیزی جز ظهور نوعی افراط‌گرایی درون نهضت مشروطه نبود

مشروطه بینیم که این اقدامات نشئت گرفته از چه فکری بوده و چه اهدافی را دنبال می‌کرده است. در اندای انقلاب مشروطه، دو گروه اصلی در جامعه شکل گرفت. گروه اول: متشکل از روشنفکران تندرویی می‌شد که از اندیشه‌های غربی حمایت می‌کردند و خواهان گسترش آن بودند و همچنین نوآیندشانی که سعی می‌کردند تا اندیشه‌های نو که غربی را با سنت و دین تلفیق یا به صورتی عرضه کنند که مستقیماًسنت و مذهب را مورد حمله قرار ندهند. گروه دوم، شامل طبقه سنتی و اصولگرای دینی و سنتی می‌شد که سنت و دین را حقیقتی ثابت می‌دانستند و با تغییر و تحول مورد نظر روشنفکران مخالفت می‌نمودند. این گروه بعدها مقابل مشروطه موضع گرفتند و در مقابل، از مشروعه سخن به میان آوردند. شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری یکی از افرادی بود که غربی را با مشروطه حمایت کرد، اما بعد به یکی از مخالفان آن تبدیل شد. استنباط وی از مشروطه، نظامی بود که در آن احکام شرع به صورت قانون در آیند. یعنی بتوان نظامی به وجود آورد که در آن احکام شرع اجرا و حفظ شود. وی بعد از شکست مشروطه و انحلال مجلس، مشروطه را مشروعه اعلام نمود. واژه مشروعه، مشتق از ریشه شریعت و به مثابه مشروعه بود، یعنی در یک نظام مشروطه، طرفدار شریعت بودن. کسروی معتقد است: مشروطه مشروعه برای شیخ فضل‌الله و هواداران‌ش به معنای نظامی بود که در آن مجتهدین تنها مرجع قانونگذاری هستند؛ در مورد دلیل مخالفت وی با مشروطه، انگیزه‌های مختلفی وجود داشته است. جان فوران در کتاب مقاومت شکننده معتقد است: در کنار همه انگیزه‌های مختلف، انگیزه اصلی انگیزه دفاع از اسلام در مقابل غرب بود. این یک واقعیت است که خود قدرت آن زمان، یعنی انگلستان و روسیه، با تمام اختلافاتی که با هم داشتند، در تضعیف نقش دین و روحانیون در ایران اتفاق نظر داشتند. شیخ فضل‌الله به درستی به این نکته پی برده بود و تنها راه مقابله با

استناعت کردند! این امر سبب شورش در تهران و شسکایت علما به رهبری شیخ فضل‌الله نوری از مجلس پیش محمدعلی شاه شد و در آن متذکر شدند مجلس شورای عمومی منافی با قواعد اسلام است و ما مسلمانان ابداً راضی نمی‌شویم وهنی به اسلام و دین ما برسد و در مقابل احکام اسلامی، شاه و رعیت یکسان است و بر همه لازم است حفظ دین و آیین شریعت حضرت سیدالمسلین(ع)… محمدعلی‌شاه که از گام نخست از مشروطه دل خوشی نداشت، از این اتفاق سوءاستفاده کرد و نهایت بهره را برد و در تاریخ ۲ تیسر ۱۲۸۷، به کلنل لیاخوف فرمانده قزاق‌ها دستور داد مجلس را به توپ ببیند. برقرار نشدن دوباره مجلس و مشروطیت به تحریم شیخ، بسیاری از مشروطه‌خواهان و غربگرایان را ناخشنود ساخت. از این رو برخی از روشنفکران سرسپرده که از مخالفت‌های شیخ بسیار خشمگین به نظر می‌رسیدند و از سوی دیگر، انتقام از دولت و درباریان برای آنان غیر ممکن می‌نمود، با کمک سفارت‌تخته بریتانیا اهنگ قتل وی را نمودند. طرح ترور شیخ فضل‌الله در سفارت انگلستان تهیه و توسط عوامل آنها به دست کریم دواتگر از کمیته مجازات و دیگر همدستان او در شب ۱۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۶ ه‍.ق به اجرا گذاشته شد. حادثه هنگامی پیش آمد که شیخ با فرزند و دوستانش از نماز شبانه به منزل بازمی‌گشت. چند گلوله به سمت او شلیک و از ناحیه پا زخمی شد و پس از دستگیری و بازجویی ضارب، اسامی افرادی به میان آمد که با سفارت انگلیس و نمایندگان غربگرای مجلس در ارتباط بودند. متأسفانه مشروطه‌خواهان غربگرا، چون به خواسته‌های خود نرسیدند و رشته کارشان از هم گسیخته بود، دیگر حضور فیزیکی شیخ فضل‌الله را مزاحم خود می‌دیدند و بر همین اساس، تصمیم به قتل شیخ فضل‌الله نوری، یعنی دشمن سرسخت و بزرگ مشروطه مهراسنا با قوانین غربی را گرفتند و بدین منظور کریم دواتگر و چند نفر دیگر را برای قتل شیخ گماردند، ولی به نتیجه‌ای که می‌خواستند نرسیدند و ترور در انتها ناکام ماند…»

■ **کمیته مجازات، جمعی وابسته به فرقه بهائیت!**

دیگر نکته مهم درباره هویت کمیته مجازات، شناسخت چهره‌های تشکیل دهنده آن است. بی‌تردید و بر اساس شواهد موجود، بخش مهمی از اعضای این تشکل، گرایشات فرقه‌ای داشتند و بهایی مذهب بودند. از همین نکته می‌توان به بساطت از هویت و اهداف آنان دست یافت. علاوه بر این تروریست‌ها آموزش‌هایی سطحی دیده بودند و در کار خود، پس سطحی رفتار می‌کردند! زهرا سعیدی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این باره می‌نویسد:

«ترور که اصطلاحی برگرفته از زبان فرانسوی است، در معنای جدید خود نوعی قتل عمدی است که در رابطه با افراد یا شخصیت‌های مهم به کار می‌رود. با این حال کاربرد این واژه در رابطه با سیاستمداران یا مخالفان سیاسی رواج بیشتری دارد. سابقه تشکیل اولین گروه‌های ترور در ایران، در مفهوم جدید آن به دوره قاجار و کمیته مجازات بازمی‌گردد. در رابطه با تشکیل این کمیته گفته شده است: هدف اصلی اعضای آن ترور افرادی بود که اندیشه‌هایی مخالف با اصول مشروطه داشتند. این افراد با اینکه تعلیماتی ندیده و فقط در جبهه جنگی تجربیاتی به‌دست آورده بودند، در کار خود ورزیدگی، مهارت و چالاک‌ی خاصی داشتند. آنها دارای روح ستیزه‌جویی و انتقام‌جویی بودند و پس از آن اقدام ایشان، نشان آن بود که تدرروی و خشونت‌پروری در میان برخی طرفداران مشروطه شکل گرفته است و از ابزار خشونت برای حفظ جایگاه خود و حذف مخالفان استفاده می‌کنند. چند سال پس از اعدام شیخ فضل‌الله، گروهی در ایران شکل گرفت که نقش ترور و حذف مخالفان را به صورت سازمانی دنبال می‌کرد.»

■ **طراحی ترور شیخ، در سفارت انگلستان!**

اما سرت‌های ترور شیخ چگونه مهیا و این واقعه چگونه رخ داد؟ درباره جزئیات ماجرا، در میان تاریخ‌نگاران مشروطیت اتفاق نظر وجود دارد. این ترور به همان ترتیبی رخ داد که وحید بهرامی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در مقال خویش آورده که بخش‌هایی از آن به قرار بی آمده است: «درگیری بین شیخ و روشنفکران، از جایی اوج گرفت که هشت تن از نمایندگان مشروطه خواه مجلس، به صورت علنی در جهت تضعیف دین و مذهب اقدام کردند و تلاش داشتند تا لوائح خود را در این راستا به تصویب برسانند. به همین دلیل علما تقاضای اخراج این هشت تن را دادند، اما نمایندگان از اخراج آنان ترور شد. کمیته با شعارهای ناسیونالیستی و وطن پرستی، ادعای مبارزه با افرادی را داشت که امنیت کشور را مورد تهدید قرار می‌دادند، اما در واقع حرکت آنها چیزی جز ظهور نوعی افراط‌گرایی درون نهضت مشروطه نبود. علاوه بر این فرد، شیخ‌فضل‌الله نوری و حاج شیخ عباس قمی نیز مورد ترور نافرجام این گروه قرار گرفتند. کسروی در باره ترور شیخ فضل‌الله نوشته است: جمعه شوم بود و شیخ از دیدن کسی برمی‌گشت که هنگام پیاده شدن از درشکه، توسط شخصی که بعداً معلوم شدد کریم دواتگر است، به وسیله ششلولی هدف قرار گرفت. گلوله‌ها به هم‌راهان شیخ اصابت کرد و شیخ نیز مجروح شد، ولی جان سالم به در برد… ظاهراً بهانه ترور شیخ فضل‌الله مخالفت وی با مشروطه و حمایت از استبداد محمدعلی شاه بود، در حالی که مخالفت شیخ با مشروطه، به دلیل دور شدن آن از آرمان‌های اولیه خود و مغایرت برخی اصول آن با احکام اسلامی



چهار نفر از فرزندان حسن خان آجودان کنار سردار گل و در دوران مشروطیت

بود و در ثانی، این شکل از حذف مخالفان نباید درون نهضت جایگاهی می‌داشت. در رابطه با ترور حاج شیخ عباس قمی، کمیته مجازات مشهد، در نامه‌ای بی‌ادبانه و توهین‌آمیز، این عالم جلیل‌القدر را تهدید به ترور می‌کنند. متن نامه به این شرح است: آقای شیخ عباس قمی، پدر سوخته! شنیدم که در منبر از امریکایی‌ها حرف بد می‌زنی! اگر شنیده شد که دومت‌به از اینگونه مزخرفات بگویند و تکذیب نکنید، همین دوشنبه به ضرب گلوله، شکمت را مثل سگ پاره و پرود خواهیم کرد… در باب اینکه چرا کمیته حاج شیخ عباس قمی را مورد ترور قرار داد، استدلال‌های متفاوتی شده است. طبق یک روایت آمده است که در این دوران از سوی محافل ماسونی وابسته به لژ بیباری ایران و سازمان‌های علنی آن مانند فرقه دموکرات، تلاش وسیعی برای جلب امریکاییان به ایران در جریان بود. با این حال حاج شیخ عباس قمی از این توطئه جان سالم به در برد، اما منتخب‌الدوله خزانده‌دار کل، آقا میرزا محسن مجتهد داماد آیت‌الله بهبهانی، عبدالحمیدخان متین السلطنه تفتقی و خود کریم دواتگر – که ترور میرزا اسماعیل خان را انجام داد- قربانی این ترور‌ها شدند و هر یک با بهانه‌ای به قتل رسیدند! ششویه اعضای کمیته مجازات در ترور افراد، برگرفته از روش‌های خاصی نبود، بلکه تقریباً تمام ترورها به یک شکل و به شیوه‌های ساده صورت می‌گرفت. فی‌المثل برای کشتن شخصی که کمیته مجازات توصیه کرده بود، قبلاً چند روزی محل سکونت و آمد و رفت او را در نظر می‌گرفتند و پس از معاینات محلی و بازدید مسیر حرکت و بعد از اینکه از نقشه و کار خود اطمینان حاصل می‌کردند، بر نامه خود را به‌مرحله عمل در می‌آوردند…»

■ **نسبت ایده دیکتاتوری منور، با تشکیل و فعالیت کمیته مجازات**

درباره نسبت ایده دیکتاتوری منور، با تشکیل و فعالیت کمیته مجازات، انگاره‌های متفاوتی وجود دارد. این دیدگاه‌ها از همیوشانی و تعامل با تقابل آنها را در برمی‌گیرد. روایت‌هایی از این دست، به ترتیب ذیل آمده در ارزیابی زهرا سعیدی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران نمود یافته است:

«طرح اولیه کمیته توسط میرزا ابراهیم خان منشی‌زاده، در سال ۱۲۹۵ ریخته شد. سپس اسدالله خان ابوالفتح‌زاده نیز به او پیوست و در ادامه محمدنظرخان مشکوه‌الممالک هم به آنان ملحق شد و بدین ترتیب پایه اصلی کمیته، توسط این سه نفر طراحی گردید، اما بعدها با گسترش آن کسانی چون: کریم دواتگر (قاتل میرزا اسماعیل خان رئیس غله)، میرزا علی‌اکبر ارداتی، عمادالکتاب خوش‌نویس و بهادار السلطنه هم به آن پیوستند. در مورد ماهیت این انجمن و اهداف آن به موارد زیادی همچون: انتقاد اعضا به وضعیت آشفته کشور و نبود قانون، مداخله بیگانگان و حتی خیانت برخی رجال همچون ونوق‌الدوله در عقد قرارداد ۱۹۱۹، اشاره شده است. منشی‌زاده خود در رابطه با اسرار کمیته، علت اصلی تشکیل آن را مبارزه با بی‌قانونی ذکر کرده است؛ بدین‌تخته در مملکت ما قانون وجود ندارد یا در صورت وجود اجرایی‌شود، جزای متخّن و خادم همیشه معکوس است… منشی‌زاده در این رابطه، در اشعاره به بی‌قانونی، به مشکلی که برای خود او پیش آمده بود، اشاره و عنوان می‌کند: وقتی با هدف خدمت به وطن، از قراقخانه کنار، گبری می‌کند و با عنوان رئیس نظمیه وارد شیراز شده، طی اختلافاتی باغفرالدوله حاکم شیراز، عازم تهران می‌شود، اما در مسیر حرکت به تهران، تمام اموال او غارت می‌گردد و وقتی به مراجع مرتبط شکایت می‌کند، به جایی نمی‌رسد. بااین‌حال گروهی نیز کمیته را تشکیل می‌دهند و به تحولات سیاسی آن دوره همچون شکل‌گیری رویکردهای خشونت‌آمیز از سوی حکومت، تحت تأثیر ایده دیکتاتوری منور می‌دانند. از سال ۱۲۹۲ ش، اندیشه دیکتاتوری منور در واقع حکومت‌پذیر شد و احزاب افراطی مشروطه نظیر حزب دموکرات، مروج این اندیشه شدند. آنان کم‌کم به این نقطه رسیدند که برای ایجاد تغییرات گسترده در کشور، باید از ابزار و روش خشونت‌بران عبور کنند. البته این دیدگاه چندین مورد قبول صاحب‌نظران و تاریخ‌نگاران قرار ندارد، زیرا از نظر تاریخی، زمان تشکیل کمیته و از بین رفتن آن با زمان انعقاد قرارداد کملاً مغایرت دارد. کمیته قبل از انعقاد قرارداد تشکیل شده و از بین رفته بود. با این‌حال نمی‌توان تأثیر گسترش اندیشه دیکتاتوری منور، در ذهن زمان سه جریان‌هایی چون کمیته مجازات را نادیده انگاشت. اما قرارت سوم از کمیته مجازات و ماهیت آن به بهایی بودن این جریان بازمی‌گردد. بر این اساس گفته می‌شود که اعضای اولیه کمیته افرادی افراطی بودند که یا به گروه‌های چپ همچون حزب اجتماعین عامیون و سوسیال دموکرات‌های قفقاز وابسته بودند یا توسط گروه‌های بهایی حمایت می‌شدند. حامیان این دیدگاه که اغلب کسانی چون مهدی بامداد، عبدالله متولی و… هستند، معتقدند بسیاری از اعضای اصلی کمیته نیز بهایی بودند. یکی از شواهدی که این گروه در این اثبات دیدگاه خود به آن تکیه می‌کند، مماشات دستگاه نظمی‌ه در مجازات افراد دستگیر شده کمیته است. به باور این گروه، دستگاه نظمی‌ه در زمان ریاست کنت دومونت‌فورت، تحت نفوذ بهائیان قرار گرفت و طی آن برخی از اعضای دستگیر شده کمیته به بهانه بی‌گناه بودن آزاد می‌شدند، چنان‌که عبدالله بهرامی رئیس نظمیه تهران با اینکه از نظر شغلی مکلف بود تا در کشف مجازات اقدام و تلاش کند، عملاً از دستگیری اعضای کمیته خودداری نمود تا جایی که رئیس تشکیلات نظمی‌ه او را به تبریز منتقل و کشف جرایم کمیته و محاکمه اعضای آن را به مأموران دیگر واگذار کرد…»